

خانواده و

پرورش مسئولیت‌پذیری

در کودکان

محبوبه فولادچنگ



مقدمه

امروزی (دنیای فعلی) توقع زیادی از ما دارند و حتی زمانی که بیمار یا خسته می‌شویم نیز حاضر نیستند خرید نان از نانوايي را انجام دهند. بسیاری از کودکان، انضباط شخصی را رعایت نمی‌کنند و برای مثال انتظار دارند که جوراب‌هایشان هم توسط مادر شسته شود یا سطل آشغال همیشه به وسیله پدر به بیرون از منزل برده شده، جلوی در گذاشته شود.

احساس مسئولیت، بیانگر نوعی نگرش و مهارت است که مانند هر نوع نگرش و مهارت دیگر آموختنی و اکتسابی است (بروئر، ۲۰۰۱). این عادت از ابتدای زندگی و به تدریج ایجاد می‌شود. در واقع، یک کودک هرگز

همه می‌دانیم زندگی در خانواده‌ای که روح همکاری و مشارکت بر آن حاکم باشد، بسیار راحت‌تر و لذت‌بخش‌تر است. در چنین خانواده‌هایی هر یک از فرزندان از احساس مسئولیت لازم برخوردارند و بخشی از وظایف خانوادگی را به عهده می‌گیرند. اما واقعیت این است که بسیاری از والدین از میزان احساس مسئولیت در بین فرزندان خود رضایت ندارند. آن‌ها شکایت می‌کنند که کودکان ما مسئولیت‌پذیر نیستند و مشارکتی در انجام کارهای منزل، برقراری نظم و انضباط، و حتی انجام امور شخصی خویش ندارند. برای مثال، برخی والدین می‌گویند که بچه‌های

نمی‌تواند رفتاری مسئولانه از خود نشان دهد، مگر این که این رفتار را در طول زندگی خود آموخته باشد. جو خانوادگی و فضای حاکم بر روابط بین والدین و فرزندان یکی از مهم‌ترین عواملی است که نقش بسزایی در پرورش احساس مسئولیت در فرزندان دارد (باسایی، ۱۳۷۰). به همین علت، در این مقاله ابتدا نگاهی کوتاه به انواع محیط‌های خانوادگی و شیوه‌های فرزندپروری صورت می‌گیرد و سپس به رابطه محیط‌های خانوادگی با مسئولیت‌پذیری کودکان اشاره می‌شود. در خاتمه نیز نکاتی چند در ارتباط با آموزش رفتارهای مسئولانه به کودکان ارائه می‌گردد.

انواع شیوه‌های

فرزندپروری

در باره انواع جو خانوادگی، شیوه‌های تربیتی والدین و تأثیر آنها بر رفتارها و شخصیت کودکان تحقیقات زیادی صورت گرفته است. براساس این تحقیقات می‌توان گفت که خانواده‌ها براساس دو بعد محبت و کنترل به چهار دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱- خانواده‌های مستبد

این خانواده‌ها پدر و مادر همانند یک فرد مستبد عمل می‌کنند.

یک کودک هرگز نمی‌تواند رفتاری مسئولانه از خود نشان دهد، مگر این که از طریق آموزش طولی زندگی خود آموخته باشد.

یعنی از کودکان توقع اطاعت همه جانبه و بی‌چون و چرا دارند، ولی هیچ‌گونه گرمی، محبت و عاطفه‌ای نسبت به فرزندان اعمال نمی‌کنند. در این خانواده‌ها پدر و مادر تصمیم‌گیرنده اصلی‌اند و کودکان و نوجوانان هیچ‌گونه نقشی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند. ضمن آن که والدین خود را موظف نمی‌دانند برای فرزندان خود دلایل محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را که وضع کرده‌اند، توضیح دهند. برای مثال، یک پدر مستبد از نوجوان خود می‌خواهد که از رفتن به گردش و تفریح با دوستان خودداری کند و دلیل قانع‌کننده‌ای هم در این زمینه برای او مطرح نمی‌کند.

۲- خانواده‌های سهل‌انگار یا غافل. این خانواده‌ها از

نظر هر دو بعد محبت و کنترل در سطح پایینی قرار دارند. در این خانواده‌ها فرزندان آزادند که هرگونه خواستند عمل کنند و هرکجا خواستند بروند. فرزندان این خانواده‌ها مجبور نیستند قواعد و مقرراتی را رعایت کنند. در این خانواده‌ها هیچ‌گونه بذل توجه و محبتی به فرزندان صورت نمی‌گیرد. در واقع، چنین پدر و مادرهایی وجود فرزندان خود را نادیده گرفته، توجهی به آنها ندارند.

۳- خانواده‌های آسان‌گیر: در این خانواده‌ها محبت و

عاطفه فراوان است، اما میزان کنترل و نظارت بسیار پایین است. این خانواده‌ها بر عکس خانواده‌های مستبد رفتار می‌کنند. یعنی بدون آن که از کودکان انتظار رفتارهای خاصی داشته باشند، آنها را حمایت می‌کنند. این والدین برای فرزندان خود هیچ‌گونه قانون و مقرراتی در نظر نمی‌گیرند و آنها آزادند هرگونه خواستند عمل کنند. به عبارت دیگر، در هر شرایطی، پدر و مادر بدون انتظار از فرزندان، به دلگرمی و محبت به آنها می‌پردازند.

۴- خانواده‌های شایع: در این خانواده‌ها محبت و

دلگرمی نسبت به تک تک فرزندان وجود دارد و در عین حال نظارت و مراقبت سازنده نیز اعمال می‌شود والدین از کودکان خود انتظارات و توقعاتی دارند و این خواست‌ها را

به طور روشن و واضح برایشان مطرح می‌کنند. یعنی در این قبیل خانواده‌ها هم مثل خانواده‌های مستبد، کنترل و نظارت، و به عبارتی قواعد و مقررات وجود دارد، اما مهم‌ترین وجه تمایز والدین قاطع از والدین مستبد آن است که والدین قاطع دلیل و استدلال مربوط به وجود قواعد و مقررات را برای بچه‌ها بیان می‌کنند و آن‌ها نیز این قواعد را می‌پذیرند. در خانواده‌های قاطع، محبت و عاطفه موجود بین پدر و مادر و فرزندان سبب می‌شود که کودکان در ارتباط با این قواعد و مقررات توجیه شوند.

جو خانواده و احساس مسئولیت

بر اساس تحقیقات موجود، فرزندان هر یک از خانواده‌های فوق ویژگی‌هایی دارند که متفاوت از فرزندان دیگر خانواده‌هاست. یکی از این تفاوت‌ها مربوط به مسئولیت‌پذیری آن‌هاست. بالاترین میزان مسئولیت‌پذیری در بین کودکان خانواده‌های قاطع و کم‌ترین آن در بین فرزندان خانواده‌های سهل‌انگار مشاهده شده است (یاسایی، ۱۳۷۰). فرزندان خانواده‌های مستبد نیز به علت کنترل شدید و عدم استقلال، توانایی انجام مسئولیت‌هایی که بعداً به آن‌ها محول می‌شود ندارند. در واقع، فرزندان خانواده‌های قاطع به دلیل آن که از استقلال لازم برخوردار بوده، در عین حال مورد حمایت‌های بجا و مناسب والدین قرار می‌گیرند و نیز در تصمیم‌گیری‌های مهم خانوادگی سهیم‌اند، بیش از کودکان سایر سبک‌های خانوادگی نسبت به این تصمیمات احساس تمهد می‌کنند و در امور خانواده مشارکت دارند.

نکاتی در مورد چگونگی پرورش

مسئولیت‌پذیری در کودکان

با توجه به این که شیوه‌های تربیتی والدین سهمی مهم در پرورش احساس مسئولیت در کودکان و نوجوانان دارند، نکاتی چند در زمینه چگونگی آموزش این مهارت به کودکان ارائه می‌شود.

۱- برای آموزش مسئولیت‌پذیری از سنین کودکی شروع کنید، یعنی از وقتی که کودک شما ۲-۳ ساله است و می‌تواند اسباب‌بازی‌های خود را جمع کند (بروثر، ۲۰۰۱).

۲- کودکان و نوجوانان را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهید. هر از گاهی جلسات مشورت خانوادگی تشکیل دهید و در آن جلسات درباره برنامه‌ها و شیوه اجرای آن‌ها تصمیمی بگیرید که با مشارکت همه اعضای خانواده باشد.

۳- از طریق بیان حکایت و قصه عمل کنید. همه کودکان قصه را دوست دارند و از آن پند می‌آموزند. آن‌ها با شخصیت‌های مورد علاقه خود در داستانی که می‌شنوند، همانندسازی می‌کنند. بنابراین اگر می‌خواهید مسئولیت‌پذیری را آموزش دهید یکی از راه‌های خوب، آن است که در قالب داستان بر روی شخصیت‌هایی تأکید کنید که مسئولیت‌پذیرند و به دلیل این ویژگی پاداش می‌گیرند (بروثر، ۲۰۰۱).

۴- وقتی کودکان شما خسته یا بی‌حوصله‌اند از آن‌ها نخواهید کاری انجام دهند. در این شرایط طبیعتاً پاسخ کودکان به درخواست شما منفی خواهد بود.

۵- انتقاد همانند سخی است که آموزش مسئولیت‌پذیری را خنثی می‌کند. زیرا هیچ کس دوست ندارد مورد انتقاد قرار گیرد.

۶- از مقایسه بپرهیزید، زیرا سبب کاهش اعتماد به نفس و احساس ناتوانی در افرادی می‌شود که در مقایسه با دیگران ضعیف قلمداد شده‌اند. این گونه احساس ناتوانی سبب می‌شود که فرد دست به کاری نزند تا احتمال شکست در آن کار را کاهش دهد (رئیس دانا، ۱۳۷۳).

۷- برای فرزندان خود الگویی از مسئولیت‌پذیری ارائه دهید. یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری از طریق الگو مورد تأکید برخی روان‌شناسان نظیر بندورا (۱۹۸۶) است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم تحت تأثیر الگوهای مختلف قرار می‌گیریم. اگر والدین احساس مسئولیت و مراقبت را در کلیه رفتارهای خود نشان دهند، فرزندان نیز تحت

تأثیر قرار خواهند گرفت. بهترین شیوه آموزش مسئولیت پذیری به کودکان آن است که تا جایی که ممکن است در حضور آنها مسئولیت پذیر باشید، در بیان و رفتار به آنها نشان دهید که برای دیگران ارزش قایلید، از ناراحتی دیگران رنج می‌برید، و بر رفتارها و نفس خود کنترل دارید (بروثر، ۲۰۰۱).

۸- به اعتقاد اریکسون در سنین پنج، شش سالگی، کودکان بیش از سنین دیگر تمایل به سازندگی، طرح‌ریزی، مسئولیت‌پذیری، و انجام فعالیت‌های اجتماعی دارند. کودک در هیچ دوره‌ای این چنین آماده یادگیری سریع و پذیرفتن فعالانه مسئولیت نیست (به نقل از سیف و همکاران، ۱۳۷۸). کودک علاقه‌مند است و می‌تواند با همکاری کودکان دیگر و توجه بزرگسالان به ساختن چیزهایی پردازد یا برای ساختن و طرح‌ریزی به کودکان دیگر بپیوندد. او هم‌چنین مایل است از بزرگسالان نیز به عنوان سرمشقی مطلوب استفاده کند. به همین دلیل در این سنین می‌توان از طریق بازی‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی، به‌ویژه در کودکان، به آموزش مسئولیت‌پذیری پرداخت.

به طور کلی می‌توان گفت که مسئولیت‌پذیری در کودکان

در سنین پنج، شش سالگی، کودکان بیش از سنین دیگر تمایل به سازندگی، طرح‌ریزی، مسئولیت‌پذیری، و انجام فعالیت‌های اجتماعی دارند.

بستگی به تجارب مختلف آنها در خانواده خود دارد. هر گاه والدین سرمشق خوبی از مسئولیت‌پذیری در خانواده ارائه دهند و فرزندان خود را به همکاری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها تشویق کنند و از انتقاد و بی‌احترامی به کودکان بپرهیزند، زمینه مناسبی برای پرورش احساس مسئولیت در کودکان فراهم کرده‌اند. قصه‌ها و بازی‌های کودکان نیز ابزاری مناسب برای پرورش رفتارهای توأم با احساس مسئولیت در آنان به شمار می‌آیند.

منابع:

- سیف، سوسن، کدیور، پروین، کرمی نوری، رضا و لطف آبادی، حسین: روان‌شناسی رشد، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۸.
- نیک میر، دان و مکی، گازی. دی: والدین مؤثر، فرزندان مسئول، ترجمه مجید رئیس دانا، انتشارات رشد، تهران ۱۳۷۳.
- ماسن و همکاران، هنری: رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۰.
- BANDURA, A. (1986). SOCIAL FOUNDATION OF THOUGHT AND ACTION : A SOCIAL COGNITIVE THEORY. ENGLEWOOD - CLIFFS , NJ: PRENTICE - HALL.
- BREWER , M. (2001). TEACHING YOUR CHILD RESPONSIBILITY . PAGEWISE, INC.

